

## اهانت به زهرا علیها السلام صبر علی علیه السلام

لحظات آخر عمر رسول الله و حضرت می‌خواد که با حضرت امیر تنها باشن، می‌خواد یه چیزی در مورد آینده به امیرالمؤمنین بگه...

وقتی تنها شدن رسول الله فرمود: یا علی بعد از اینکه من بار سفر رو بستم اُمت من میان اقدام میکنند به ضرب و شتم دخترم و بر اثر این ضرب و شتم دخترم به شهادت میرسه!

امیرالمؤمنین منقلب شد به قول خودمون رنگش عوض شد، عرض کرد: یا رسول الله مگر علی آنجا نیست؟

رسول خدا فرمود: علی آنجاست ولی به او امر می‌کنم که باید ساکت باشی، باید صبر کنی این صحنه رو ببینی تا اینکه دین خدا یاری پیدا کنه و دین خدا از بین نره!

وقتی که حضرت شهید شد و اومدن اون اتفاقات افتاد و عمر بعد از ضرب و شتم حضرت زهرا وارد منزل شد، امیرالمؤمنین با یک دست لباس عمر رو گرفت و به زمین کوبید و مثنی بر صورت عمر زد و گفت: یابن سهاک...

به قول خودمون شانس آوردی که علی مأمور به صبر شده اگر صبر علی نبود بهت نشون میدادم که تو مردی نیستی که پاتو بزاری داخل خونه علی، پاتو بزاری داخل خونه وحی!

و وقتی که حضرت زهرا سلام الله علیها دفن شد، امیرالمؤمنین علیه السلام چهل تا نماد قبر درست کرد جاهای مختلف قبرستان بقیع تا اینکه واضح نشه قبر حضرت زهرا کدومه...

وقتی که عمر با دار و دستش اومدن با بیل و کلنگ که ما می‌خوایم دختر رسول خدا رو نبش قبر کنیم و بر او نماز بخونیم و دوباره تشییع کنیم و بعد دفن کنیم امیرالمؤمنین علیه السلام نماد جنگ شون رو بر سر گذاشتن عمامه زرد، دستمال زرد به سر بستن و ذوالفقار رو در دست گرفتن، گفتن: اینجا دیگه من مأمور به صبر نیستم....

هدفم از این حرف چیه؟ هدفم اینه که بگم امیرالمؤمنین سکوت نکرد در اون اتفاقات....

امیرالمؤمنین خدای غیرت است، امیرالمؤمنین کسی است که وقتی در جنگ می‌جنگید مطمئن بودند که علی پشتش سپر ندارد، انقدر شجاع و قوی بود. همین امیرالمؤمنین سکوت نکرد، صبر کرد در اون قضایا، صبر کرد چونکه مأمور بود از جانب رسول خدا وگرنه اگر امیرالمؤمنین می‌جنگید تمام مردم مدینه با عمر و ابابکر بیعت کرده بودن.

باید با تمام مردم مدینه می جنگید! خب سلمنا امیر المؤمنین پیروز شد الان اسلام چه کسی رو  
داره؟ اصلا مسلمین به چه دردشون میخوره امامی که با شمشیر اومده روی کار؟ اون امام  
باید گوشه‌ خونه بشینه تا مسلمین به اون بلوغ فکری برسند و خودشون برن سراغش...